



بررسی مکان از منظر هرمنوتیک فلسفی هایدگر

(مطالعه موردی: فرهنگسرای نیاوران)

فائزه امیری پویا^۱، خسرو افزلیان^{۲*}، ایرج اعتصام^۳، محسن طبسی^۴

^۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران f.amiripouya@yahoo.com

^{۲*} (نویسنده مسئول) استادیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران khosrow.afzalian@gmail.com

^۳ استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران etesam@modares.ac.ir

^۴ دانشیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران tabassi_mohsen@yahoo.com

چکیده

در دوران معاصر، انسان‌ها موفق به کشف زوایایی از مقوله هرمنوتیک شده‌اند که همیشه در حال انجام آن بوده‌اند، ولی کمتر به آن توجه کرده‌اند. هرمنوتیک فلسفی به معنای دقیق کلمه، مشخصاً به فهم اشاره می‌کند و آن هم، فهم خالص است. در فرآیند ادراک و فهم هر مقوله‌ای اصولاً دو سویه وجود دارد. یک سویه در اثر و یک سویه در مخاطب. دنیای هرمنوتیک فلسفی هایدگر مربوط به زبان مخاطب و نحوه برخورد او با اثر است. ارتباط بین مخاطب و اثر یک ارتباط فلسفی می‌باشد. بحث مکانمندی یکی از محورهای اصلی هرمنوتیک هایدگر است. تلاش برای تطبیقی کاربردی آن با مکان‌های کنونی می‌تواند زمینه را برای بهره‌جویی بهتر انسان از مکان در معماری مدرن فراهم سازد. پژوهش حاضر از روش استدلال منطقی با تکیه بر روش پژوهش کیفی و توصیفی و تحلیلی با دیدگاه هرمنوتیک فلسفی انجام گرفته است. گردآوری اطلاعات در دو دسته اسنادی (کتابخانه ای) و میدانی بوده، محقق با انجام مصاحبه‌های باز و عمیق با کشف ابعاد تقریب از طریق خوانش متون به اشتراک گذاشته از روایت مکان هایدگر و شولتز و کاربران، می‌توان به مدلی برای ارائه الگوها و مؤلفه‌های کیفی مؤثر بر فضاهای معماری در فرایند فهم مکان و احساس این همانی با فضا دست یابیم. مؤلفه‌های به دست آمده از یافته‌های تحقیق برای فهم مکان فرهنگسرای نیاوران شامل: جهت‌یابی، شناسایی، خط آسمان، دیالکتیک بیرون و درون، هندسه و محیط که میزان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها را در فرایند خلق مکان می‌توان خوانش کرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مکان از منظر هرمنوتیک فلسفی در معماری.
۲. بررسی مکان‌مندی دازاین با توجه به فرم، فضا و مکان در فرهنگسرای نیاوران

سئوالات پژوهش:

۱. مکان از منظر هایدگر در معماری بر اساس چه مؤلفه‌هایی شکل می‌گیرد؟
۲. هرمنوتیک فلسفی هایدگر چگونه در فرهنگسرای نیاوران نمود پیدا می‌کند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۵

دوره ۱۹

صفحه ۵۰ الی ۶۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

مکان، هرمنوتیک فلسفی، هایدگر، دازاین، فرهنگسرای نیاوران.

ارجاع به این مقاله

امیری پویا، فائزه، افزلیان، خسرو، اعتصام، ایرج، طبسی، محسن. (۱۴۰۱). بررسی مکان از منظر هرمنوتیک فلسفی هایدگر (مطالعه موردی: فرهنگسرای نیاوران). مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۵۰-۶۴.

 [dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.45.24.8](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1401.19.45.24.8)

 dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.278512.1579

مقدمه

معماری امروز بیش از آن که متوجه مکان یک زندگی برای انسان باشد، درگیر تولید انبوه برای حل یک معضل اجتماعی است. اگر چه قرار این است که حاصل کار پاسخی برای حل مشکل انسان باشد، اما موارد متعدد تأثیرگذار در روند طراحی و اجرا برای توجه به نیاز روحانی انسان جایی نمی‌گذارند. بنابراین، دغدغه‌ی اصلی معماری معطوف به کیفیت رابطه‌ی انسان و مکان زیست نیست. امروزه در حوزه معماری، نگرش تفسیری سعی در بازنگری به تعریف مکان و احیای معنای مستتر در فضاهای انسان ساخت را دارد. معنامندی فضایی از مهم‌ترین راه کارهای کیفیت بخشی به فضای معماری است و طراحان و معماران در این زمینه تلاش می‌کنند. در این راستا فلسفه مارتین هایدگر^۱ در رابطه با مکان می‌تواند در زمینه معماری موثر واقع شود آن چه مهم است، فلسفه هایدگر از دیدگاه پدیدارشناسی^۲ مورد توجه بوده اما از منظر هرمنوتیک فلسفی^۳ در حوزه مکان نگاه نشده است و این می‌تواند گامی موثر در این مطالعه باشد. هایدگر نقطه عطفی در به‌کارگیری واژه دور هرمنوتیکی ایجاد کرد. به دلیل آن که فهم از مقومات دازاین و اجزای ساختار وجودی آدمی است، حلقوی بودن نیز ویژگی ساختار فهم و در نتیجه، وصفی وجودی برای دازاین، از این رو پرداختن به مکان از منظر هرمنوتیک فلسفی با تمرکز بر دور هرمنوتیکی می‌تواند جنبه نوآورانه مقاله حاضر باشد. او به پیش فرض‌های خود و به آوای غیر مستقیم موثر (مولف)، که به صورت فرکانسی در آن اثر ذخیره شده است دسترسی دارد. از آن‌جا که معماری جزئی از ماندگارترین آثار هنری جهان می‌باشد جاری شدن فرکانس‌های اثر معماری در مخاطب بیشتر شکل می‌گیرد و بیشترین امکان را در بین آثار هنری و در مواجهه هرمنوتیک با مخاطبان فراهم می‌کند. معماری ورقی از اوراق فرهنگی انسان است و پدیده فهم دارای جایگاه ویژه و محکمی در آن می‌باشد بنابراین می‌توان نگاه معمار یک اثر را به عنوان نگاه عصری، زمینه مطالعه و فهم هرمنوتیکی قرار داد. هر تصمیمی که در همکاری با افراد دیگر گرفته می‌شود می‌تواند قسمی از فهم که با آگاهی هرمنوتیک سر و کار دارد سود ببرد.

معماری معاصر تهران از جمله موضوعاتی است که می‌تواند زمینه این گونه مطالعات قرار بگیرد. معماری دوره پهلوی دوم از یک سو دوره قوام معماری مدرن و ساخت بناهای دولتی با مصالح و تکنولوژی‌های نوین و از سوی دیگر پیدایش نقد به معماری مدرن و نوعی گرایش به هویت‌طلبی بود. معماری، همانند دیگر هنرها در این دوره نه غربی و نه اسلامی است. که حاصل نگاه ناقص به غرب و برداشت ناآگاهانه از تمدن و تفکر غربی می‌باشد؛ و سبب حضور فرهنگ برزخی شده است. یکی از برجسته‌ترین معماران ایرانی این دوره کامران دیبا می‌باشد. او گونه‌ای نوین از معماری مدرن ایرانی را بنا می‌نهد. که توانست هم‌ترازی سنت و نوگرایی را در جهت ایجاد مکان در کنار یکدیگر به کار ببرد. از جمله بناهای شاخص کامرا دیبا در دهه ۵۰ خورشیدی فرهنگ‌سرای نیاوران است. با توجه به مطالعات صورت گرفته، می‌توان عنوان کرد که بررسی مکان از منظر هرمنوتیک فلسفی هایدگر در نمونه موردی مذکور یک موضوع جدید می‌باشد و سایر مطالعات انجام شده که در راستای این موضوع می‌گنجد به بررسی مکان از دیدگاه پدیدارشناسی بوده، که به طور خلاصه بخشی از آثار داخلی و خارجی در ادامه آمده است: کتاب روح مکان شولتز، ترجمه محمد رضا شیرازی ۱۳۹۰ که بحث مرکزی کتاب مکان است و به ویژگی‌های سکونت‌گاه‌های انسان ساخت و طبیعی می‌پردازد. کتاب هستی، فضا، معماری به بحث فضا اختصاص یافته و در این کتاب به انواع فضا، ساختار و عناصر تشکیل‌دهنده

^۱ . Martin Heidegger

^۲ . Phenomenology

^۳ . Philosophical hermeneutic

فضا اشاره می‌شود. کتاب مفهوم سکونت شولتز ترجمه محمود امیر احمدی. مقاله بررسی پدیدارشناختی - هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری که محمد جواد صافیان و همکاران به آشکار کردن پدیدار مکان می‌پردازند. کتاب پدیدارشناسی مکان (۱۳۷۸)، پروین پرتویی. مقاله روایت مکان در آثار معماران معاصر از منظر ادبیات تطبیقی فلسفه و معماری با رویکرد پدیدارشناسی نمونه موردی: موزه هنرهای معاصر تهران (۱۳۹۸)، مرتضی نیک‌فطرت کرد محله حسین ذبیحی، آزاده شاهچراغی. پدیدارشناسی مکان به جانب ارتقاء فضا به مکان شهری (۱۳۸۷)، بمانیان و محمود نژاد. مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن (۱۳۸۵)، فلاحت. درآمدی به علم هرمنوتیک فلسفی کتابی در این زمینه می‌باشد که توسط ژان گروندن^۴ نوشته شده است. کتاب درآمدی به علم هرمنوتیک فلسفی است که دربرگیرنده مقدمه‌ای تاریخی بر هرمنوتیک فلسفی می‌باشد. کتابی دیگر با عنوان هرمنوتیک مدرن گزینه جستارها نیچه، هایدگر، گادامر و... که در سال (۱۳۷۷)، برای اولین بار توسط بابک احمدی، مهران مهاجر و محمد نبوی ترجمه شد. تأثیر هایدگر بر شولتز در کتاب میان زمین و آسمان قابل دریافت است. پایان‌نامه‌ای با عنوان نظریه و عمل معماری و سؤال از پدیدارشناسی توسط محمدرضا شیرازی در سال (۲۰۰۹)، از دانشگاه صنعتی براندنبورگ آلمان از دیگر پژوهش‌ها در این راستا می‌باشد. می‌توان به مقاله‌ای با عنوان بررسی و نقد گرایش‌ها و روش هرمنوتیکی به فهم‌مندی معماری و شهر توسط شهرام شیرمحمدی و سید علی زارع در سال (۱۳۹۴)، در مجله مدیریت شهری به چاپ رسیده است اشاره کرد. در این مقاله ضمن مرور مختصر بر تاریخچه هرمنوتیک (پیشامدرن، مدرن و معاصر) گرایش‌ها و روش‌مندی هرمنوتیکی معاصر به مقوله فهم زیبایی‌شناسی معماری شهری معاصر به طور اخص پرداخته است. موثر، اثر، مخاطب دنیای هرمنوتیک در خوانش متن معماری از جمله مقاله‌های مرتبط با موضوع حاضر می‌باشد، که توسط سعید حقیر در سال (۱۳۸۱)، به چاپ رسیده است. در پژوهش پیش رو که براساس روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی انجام شده است بحث مکانمندی در فرهنگسرای خاوران بر مبنای نظریه هایدگر بررسی می‌شود.

۱. مفهوم مکان

در «فرهنگ لغت جغرافیایی آکسفورد» واژه مکان، نقطه‌ای خاص در سطح زمین تعریف شده است که محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که ارزش‌های انسانی در آن، بستر شکل گرفته و رشد یافته است. «فرهنگ لغت انگلیسی وبستر» علاوه بر مفهوم جغرافیایی، به نحوه و قرارگیری افراد در جامعه در مکان‌های خاص اشاره دارد (مدنی-پور، ۱۳۷۹: ۳۲). مکان بخشی از فضاها طبیعی یا فضاها ساخته شده است که به لحاظ مفهومی یا مادی دارای محدوده‌ای مشخص باشد و دارای بار ارزشی و معنایی می‌باشد و نتیجه بر همکنش سه مؤلفه ۱- رفتار انسانی ۲- مفاهیم ۳- مشخصات فیزیکی می‌باشد (افشار نادری، ۱۳۷۹: ۴). بین مکان^۵ و غیر مکان^۶ تفاوت وجود دارد مکان دارای ارتباط تاریخی از نظر فیزیکی، فرهنگی و احساسی است در حالی که غیر مکان دارای چنین ارتباطی نمی‌باشد. مکان سبب حس ریشه داشتن و تعلق داشتن به محیط می‌شود و بی‌مکانی بر عدم معنی دلالت دارد. عدم معنی، تغییر اساسی در فرم معماری را نشان می‌دهد و همچنین گویای آن است که چگونه ادراک مردم از پیوستگی با مکان، در

^۴ . Jan Grunden

^۵ . place

^۶ . Non - place

طی دوران تغییر یافته (رلف، ۱۳۸۹). پیتر زامتور^۷ مکان‌های آینده را براساس احساساتی که به خاطر می‌پیوندند، درک می‌کند. زامتور سعی می‌کند با استفاده از تجربه انسان‌هایی که از آن فضا استفاده کرده‌اند و به خاطرات به یاد مانده در ذهن آن‌ها، طراحی را پیش ببرد. زامتور، مانند فیلسوف، آرزوی عادات و رسوم قدیمی، که مدرک بی واسطه تجربه و خاطرات است، را داشته و کمتر به دنبال مستندات آماری و ریاضیاتی در اثر خویش، می‌باشد (شار، ۱۳۹۱). توان^۸ مکان را به عنوان مرکز معنا یا حوزه توجه براساس تجربیات انسان، روابط اجتماعی، هیجان‌ها و تفکرات توصیف می‌کند (Tuan, ۲۰۰۱). گوستافسون^۹ مدل سه وجهی شخص، دیگران و محیط را ارائه می‌کند و معنای مکان‌های مختلف را حاصل تعامل این سه وجه و ارتباط میان این وجوه می‌داند (Gustafson, ۲۰۰۱, ۱۲). از نظر راپوپورت^{۱۰} نقش فرهنگ حاکم بر یک جامعه در شکل‌گیری معنای محیط، از اهمیت بالایی برخوردار است. او معتقد است مردم به یاری فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نهادی مشترک، به محیط خود معنی داده و می‌توانند فضای بی معنی را به مکان تبدیل کنند (Rapaport, ۱۹۸۲, ۹۳).

تعلق به مکان، چیزی بیش از تجربه عاطفی و شناختی بوده و عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد به مکان را نیز در بر می‌گیرد (Altman & Low, ۱۹۹۲). نظریات پالاسما^{۱۱} با توجه به مشارکت حواس در فرآیند دریافت و ادراک و قراردادن کالبد و تن انسانی به عنوان مرکزیت ادراک مشارکت حواس پنجگانه در باب کیفیات حسی مصالح، نور، رنگ و قدمت و تاریخچه حضور می‌یابند. با توجه به تجربه چند حسی در معماری می‌توان گفت تجربیات حسی به واسطه تن یکپارچه گردیده و جهان و نفس همواره همدیگر را آگاه می‌کنند و به همین دلیل است که ما مکان‌های خاص را به یاد می‌آوریم که کالبدمان را تحت تأثیر قرار داده‌اند (Pallasma, ۲۰۰۲, ۲۹۳). از دیدگاه هایدگر مکان جایی بنیادی و اصلی است، در حالی که فضا از یک مکان پیروی می‌کند و به عنوان یک نوع رابطه بین مکان‌ها به وجود می‌آید. او ارتباط کلی بشر با مکان را با مقایسه‌ای که بین ساختمان و پروراندن در کشاورزی مطرح می‌کند. ساختمان به معنی پروراندن، در این‌گونه ساختن، حفظ و نگهداری آنچه ساخته می‌شود مد نظر است. سکنی گزیدن^{۱۲} موجودات فانی (انسان) را حفظ و نگهداری می‌کند. این ویژگی بنیادین سکنی گزیدن می‌باشد. در آرامش بودن و به آرامش رسیدن. هایدگر در اینجا با توجه به معنای سکنی گزیدن، آدمی را اینگونه لحاظ می‌نماید، روی زمین و به آسمان اشاره می‌کند. زمین و آسمان یعنی ماندن آن دو با یکدیگر در مقابل قدسیان. در واقع با این سکنی گزیدن عالمی شکل می‌گیرد که دارای چهار وجه است و هایدگر از آن به چهارگانه تعبیر می‌کند (Rogers, ۲۰۰۳, ۴۴). یکی از ویژگی‌های مکان، گردآوری همه چیزها می‌باشد. دازاین با مکان در ارتباط است. سکنی گزیدن انسان در فضا با ارتباط برقرار کردن عناصر چهارگانه گانه (آسمان و زمین، خدایان، میرایان) میسر می‌شود. هایدگر شعر را به مثابه یک نوع زندگی می‌نامد و این فرم ایده آل ساخت و ساز است. خلق شعر به ما اجازه سکنی می‌دهد، که نوعی ساختن است. بنابراین برای ساختن ما باید به آنچه که انسان به عنوان ماهیت سر پناه می‌گوید فکر کنیم و از شعر به مثابه محل اقامت اندیشید. اگر اینگونه عمل کنیم به ماهیت ساختن پی برده‌ایم.

^۷. Peter Zumthor

^۸. Tuan

^۹. Gustafson

^{۱۰}. Rapoport

^{۱۱}. Pallasma

^{۱۲}. Dwelling

معنای مکان از دیدگاه نوربرگ شولتز^{۱۳} از جمله مواردی می‌باشد که می‌تواند به ارتقاء و تبدیل فضای معماری به مکان معماری کمک کند. یک مکان از فضا و کاراکتر تشکیل شده است (Norberg schulz, ۱۹۹۶: ۴۳۲).

۲. هرمونتیک فلسفی هایدگر

هرموننتیک تئوری و عمل تأویل است. تأویل شاید، اصلی‌ترین فعل تفکر انسان است. هرمونتیک اصطلاحی است که سطوحی بسیار متفاوتی از اندیشه را پوشش می‌دهد. هرمونتیک عبارت است از هنر عملی، یعنی یک تخته، که با چیزهایی از قبیل تبیین و توضیح متون سر و کار دارد و به عنوان بنیاد تمام این‌ها، هنر فهم است. هنری که به طور خاص همیشه مستلزم معنای چیزی است که روشن و آشکار نیست (گروندن، ۱۳۹۵: ۲۳). حتی در قدیمی‌ترین کاربرد واژه هرمنیا و هرمنیوپین ابهام و دو پهلویی خاصی وجود دارد. آن چه هرمونتیک انجام می‌دهد، عبارت است از آوردن چیزی از جهان کسی و انتقال آن به جهان شخص دیگر، انتقال از جهان یک زبان بیگانه به درون جهان زبان خودمان. هرمونتیک هنر تأویل و تفسیر است که با معناهای پنهان سر و کار دارد. تأویل به معنای کوشش در کشف معناهای پنهان متن (نوشتاری و گفتاری) یا کنش، یا رویداد و نیز کوشش در جهت ایجاد معناهای تازه برای آن‌ها. تأویل فهم تأویل‌گر از متن است و در نتیجه منش توضیحی و توصیفی آن نسبی است. هرمونتیک در داخل سخن فلسفی جای دارد و نقطه آغاز آن این سخن است. هرمونتیک ما را با قانون بنیادین سخن فلسفی که ما بسیار می‌پرسیم و به ندرت پاسخ می‌یابیم هر پاسخ هم فقط راه‌گشا و آغاز پرسش‌های متعدد بعدی است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

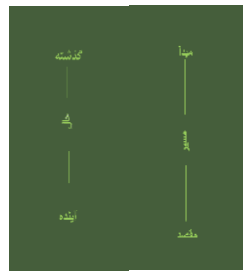


شکل ۱. معنای هرمونتیک منبع: نویسندگان

مارتین هایدگر در سال ۱۹۲۷ کتاب معروف خود با عنوان هستی و زمان را به رشته تحریر در آورد. او شاگرد هوسرل بود و تأثیرات اندیشه ارسطو در افکار او حائز اهمیت می‌باشد. اندیشه هایدگر که در کتاب هستی و زمان به آن اشاره شده است را می‌توان اینگونه مطرح نمود: مهمترین دغدغه هایدگر مسئله غفلت از هستی و وجود است که فلسفه غرب از دوران افلاطون به بعد معنای وجود را درست تعبیر نکردند. اگر هستی به درستی درک نشود ماهیت و گوهر انسات شناخته نمی‌شود. هستی یک موجود (هستومند، باشنده، هستنده) متضمن آن است که هستی خود و دیگری را بشناسد. تا قبل از هایدگر همه فلاسفه مشغول به شناخت انسان بودند و هستی را نمی‌شناختند و انسان یک موجود انتزاعی و ریاضی بود به طوری که دکارت اندیشه را مقدم بر هستندگی مطرح کرد (ضمیران، ۱۳۹۳). جهان انسان

^{۱۳}. Nurberg Schultz

هایدگر نقطه مقابل جهان دکارت می‌باشد جهانی که بر مبنای ریاضیات و فیزیک استوار است و جدایی سوژه یا انسان با ابژه یا جهان پیرامون و بیگانگی انسان با خود، با دیگران و با طبیعت و به طور کلی با جهان بود. فناوری دوران مدرن در نتیجه چنین نگرشی می‌باشد (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). در همین راستا هایدگر یک لغت جدید می‌سازد تا بگوید انسان چیست. دازاین که عبارت است از دا به معنای اینجا و آنجا و زاین به معنای هستی. اهمیت دازاین حول مسئله هستی و زمان است. جهان هنگامی بر دازاین ظهور پیدا می‌کند که او از وجود خود به سوی جهان برود. لذا نحوه وجود دازاین، گشودگی و باز بودن به سوی چیزها و جهان می‌باشد. و به همین دلیل اگرستانس دارد. از منظر هایدگر دازاین، می‌فهمد که در افق وجود است که موجودات، ظاهر می‌شوند. موجودات مظهر ظهور وجودند. او در این افق، مبدا و مقصدش را درمی‌یابد. از این رو هم راه می‌شود (پرتوی، باقری، ۱۳۹۵).



شکل ۲. مبدا، مسیر و مقصد دازاین منبع: نویسندگان

جدول ۱: مقایسه دازاین بعد از دکارت و هایدگر منبع: نویسندگان

دازاین بعد از دکارت	دازاین هایدگر
عقلانیت	وجود
شعور	هستی
ذهنیت	زمان

از دیدگاه هایدگر از درون وجود، موجود متولد می‌شود. اما این نکته قابل توجه می‌باشد که وجود برای ما نامستور (ناپوشیدگی) می‌شود. ساختار وجود (هستی) متضمن سه لحظه (صیوروت، اکتونیت و حضور) است. عناصر هرمنوتیک فلسفی هایدگر عبارتند از:

۱- فهم و پیش فهم: از نظر هایدگر کلید فهم، دازاین می‌باشد. در واقع ارتباط بین انسان‌ها و دنیای آن‌ها است و غیر قابل گریز و این همان دازاین یا وجود - در جهان به گفته هایدگراس.

هایدگر بر تاریخی بودن فهم به منزله پیشینه یا وابسته به موقعیت بودن انسان در جهان، تاکید کرده است. تاریخی بودن، تاریخ فرد یا پیشینه، اشاره به آن چیزی دارد که یک فرهنگ از زمان تولد به شخص منتقل می‌کند، که در بر گیرنده آرائه شیوه‌های فهم جهان نیز هست (Koch, ۱۹۹۵: ۸۳۱).

از جمله نقاط برجسته تفکر هایدگر مسأله پیش فهم (پیش ساختار داشتن فهم) می‌باشد. هر فهم و تفسیری گذشته بر پیش ساختار است و هیچ تفسیری بدون پیش فهم حاصل نمی‌شود. ذهن ما پیش از هر چیز، فهمی ابتدایی از هر موضوع دارد که این فهم به دلیل دازاین (هستن ما در جهان) می‌باشد. از نظر هایدگر فهمی صحیح می‌باشد. که بر

اساس پیش‌فهم‌های صحیح باشد. شرط صحیح بودن پیش‌فهم‌ها سازگاری آن با ذات شیء است. از نظر هایدگر، پیش‌فهم ساختاری برای بودن در جهان است. پیش‌فهم، محتوا یا سازمان یک فرهنگ است که قبل از این که ما به مرحله فهم وارد شویم و این پیش‌فهم، بخشی از تاریخی بودن ما بشود، وجود داشته. ما جهان را به واسطه پیشینه و تجربه هایمان می‌سازیم بنابراین تعاملی بین فرد و جهان وجود دارد، هر کدام در عین حال که دیگری را می‌سازند، خود نیز به وجود می‌آیند (Munhall, ۱۹۸۹: ۲۴).

۲- دور (حلقه) هرمنوتیکی: حلقه هرمنوتیک، در کل به توصیف این نکته می‌پردازد که چگونه جزء و کل، در فرایند فهم و تفسیر، به صورتی حلقوی به یکدیگر مربوطند: فهم اجزاء برای فهم کل ضروری است، در حالی که برای فهم اجزاء، باید کل را درک کرد (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). حرکت رفت و برگشتی بین کل و جزء تا آنجا ادامه دارد که متن به فهم در آید. دور هرمنوتیکی رابطه پیش‌فهم‌های دازاین با فهم است. به این ترتیب هایدگر دور را به بنیادین‌ترین سطح وجود آدمی گسترش می‌دهد و دور هرمنوتیکی را بازتاب ساختار وجودی دازاین لحاظ می‌کند (واعظی، فاضلی، ۱۳۹۰).

۳- تاریخی بودن انسان: از دیدگاه هایدگر، احوال انسان میدان تجلی زمان‌مندی است. و دازاین به جهت زمان‌مند بودن، وجودی ذاتاً تاریخی می‌باشد. و بدون زمان‌های سه‌گانه گذشته، حال و آینده هیچ حالتی در وجود ما قابل تحقق نیست. محور اصلی هایدگر ارتباط دازاین با هستی و زمان می‌باشد. که فلسفه غرب هستی را قطع نظر از زمان قرار می‌داد. در واقع می‌توان اینگونه بیان کرد نگاه هایدگر وجود، به اعتبار زمان و مکان می‌باشد و نگاه پیش از او وجود، منهای زمان و مکان است. هایدگر زمانمندی را در سه لحظه متقارن مطرح می‌کند که شامل:

۱-۳- شدن (صیروت): یکی از محورهای وجود انسان شدن یا صیروت می‌باشد. وجود انسان همواره در شدن است و در امکانات محقق خواهد شد و از حال به آینده وصل می‌شود. از جایی به جای دیگر حرکت می‌کند ثابت و ساکن نمی‌باشد و همواره پویا و پر تکاپو است. نقد هایدگر به فلسفه غرب در نفی صیروت می‌باشد چراکه انسان را ساکن و همانند مجسمه لحاظ می‌کند. صیروت امری اختیاری نیست. دازاین اینجا را قبول نمی‌کند از لحظه اکنون و اینجا عبور می‌کند. تفاوت تاریخ‌خانه‌سازی اولیه و زمان حاضر، نشان‌دهنده این پویایی و سیالیت می‌باشد.

۲-۳- اکنونیت: حلقه اتصال گذشته و آینده است.

۳-۳- حضور: بدون صیروت و اکنونیت حضور محال است (ضیمران، ۱۳۹۳).

۴- زبان: زبان فقط آن نیست که آشکار یا نهانی را در کلمه‌ها و جمله‌ها در آورد، بلکه حق آن است که زبان موجود را چون موجود به گشودگی در می‌آورد. مسئله زبان در تفکر هایدگر جایگاهی خاص دارد. عقل ورای زبان قرار ندارد، بلکه عقل، از ابتدا، خود را در زبان آشکار کرده است. عقل بدون زبان هرگز وجود نداشته است. ما به واسطه زبان اجازه می‌دهیم که خود، دیگران، اشیا و وجود خود را آشکار کنیم. زبان خود، دیالکتیک میان دازاین و اشیا تودستی را از طریق ایجاد شبکه ارجاعات و نشانه‌ها امکان‌پذیر می‌کند. همین که زبان نخستین بار موجودی را می‌نامد، این نامیدن، آن موجود را به بیان و ظهور می‌آورد. از دیدگاه هایدگر حقیقت به معنای ناپوشیدگی همواره همراه با پوشیدگی است. هر اثر هنری هم ظهور وجود و هم غیاب آن است. بنابراین اثر هنری از جهت بستگی ذاتی اش به دونه‌پوشیدگی و ناپوشیدگی با حقیقت هم ذات است. بیشترین جلوه ظهور این ناپوشیدگی از نظر هایدگر زبان و بهترین جلوه زبان شعر است. هر هنری از آن‌رو که به آشکارگی رساندن است. بنابراین تمام هنرها از نظر هایدگر نوعی حقیقت وجود بماهو موجود است، سرودن شعر است. باید توجه کرد که شعر در این‌جا به معنای سخن آهنگین و برآمده از خیال

نیست. بلکه سرایش شعر به معنای به ظهور درآوردن چیزی می‌باشد. بنابراین شعر با این ویژگی شامل همه هنرهای نقاشی، معماری، پیکره تراشی و... می‌باشد (هایدگر، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۳). یکی دیگر از اصلی‌ترین ویژگی‌های زبان از منظر هایدگر، وجه جمعی آن است. از آن‌جا که ما با دیگرانیم، نسبت‌های ما با دیگران پیشاپیش در زبان آشکار شده است. اصل زبان آن است که ما بتوانیم مقصود و منظور خود را به دیگران بیان کنیم. به همین دلیل است که گفت و گو اصل و اساس زبان است (رجبی، سلیمان حشمت، ۱۳۹۴: ۲۷). از نظر هایدگر، تفسیر متن آشکار نمودن ناگفته‌های، متن می‌باشد و حتی هرمنوتیک را فهمی مبتکرانه و مسؤولانه از زبان معرفی می‌نماید.



شکل ۳. هرمنوتیک فلسفی هایدگر منبع: نویسندگان

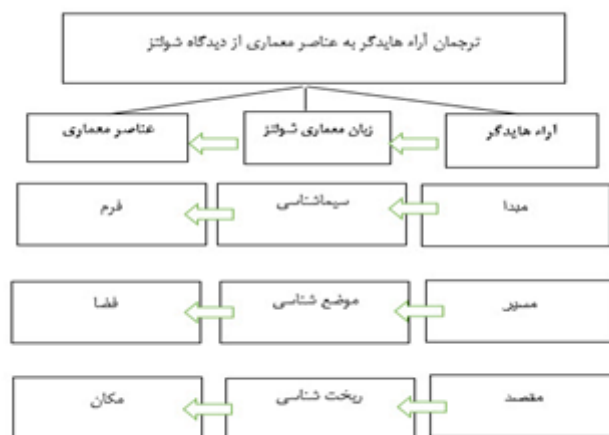
۳. ترجمان آراء هایدگر به معماری

کریستین نوربرگ شولتز، نظریه‌پرداز و معمار نروژی، که از منظر فلسفی متأثر از فلسفه مارتین هایدگر بوده است. معنای مکان از دیدگاه نوربرگ شولتز می‌تواند سبب، تبدیل فضای معماری به مکان معماری بشود. نوربرگ شولتز در ترجمان آراء هایدگر به معماری، معماری را حاضر سازی جهان و فراهم‌سازی معنا می‌خواند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷: ۲۶۱). او عناصر وجودی (حوزه (مبدا)/ مسیر/ مقصد) را در نشان دادن جهان در مکان، معنادار می‌داند. مقصد در این مکان، مرکزی می‌شد برای گردهمایی و حضور چیزها و در این بین، مسیر معبری بود برای گذر و گذار بین مبدا و مقصد. چنین امری هم مبنای انتظام‌بخشی و معنا بخشی به مکان بوده و هم به انسان در مکان، پایگاه وجودی می‌بخشد. نوربرگ شولتز زبان معماری را در برپایی مکان‌های معنادار در سه واژه سیماشناختی، موضع شناختی و ریخت‌شناسی عمده می‌کند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲: ۱۱۲). این مسیر دارای سلسله مراتبی می‌باشد. این فرآیند از صورت-سازی (مورفولوژی) شروع می‌شود و به انتظام بخشی (توپولوژی) و معنادهی در قالب یک (تئوپولوژی) ختم می‌گردد. ۱- سیماشناسی (مورفولوژی): تداعیات سیماشناختی، برانگیخته از تمثال‌هایی است که بصورت مستقیم و بدون تفکر عمیق حاصل آمده و در مبانی اصول گشتالت ریشه دارد (لنگ، ۱۳۸۶). این واژه بر ترکیب محیط مصنوع با محیط طبیعی، دلالت دارد که خود عالمی را در زمین و آسمان بر پا می‌دارند. به طور کلی مکان، معنای خود را از جهان وجودی و با ساختن بر روی زمین وزیر آسمان و اقامت کردن در آن، می‌گیرد. این اقامتگاه از آن جهت ارزش دارد که در آن و با آن، جهان، معنا می‌یابد و مکانی می‌شود برای زندگی. وجهی که از نگرش ساختاری بر هستی‌ناشی شده

بر پایه اثر هایدگر است. اثری که جهانی را در خود گشوده می‌دارد و بازتابی می‌شود از بیان وجود-در-موجود یا تجلی حقیقت در واقعیت.

۲- موضوع‌شناسی (توپولوژی): با نظام فضایی در رابطه قرار گرفته و در آثار منفرد معماری در قالب "آرایش فضایی" انسجام می‌یابد. انتخاب واژه "توپو" لوژی با نیت مشتق دانستن فضای معماری از موضع و مکان و نه از فضای مطلق ریاضی صورت گرفته است (شولتز، ۱۳۸۲: ۴۲). نوربرگ شولتز این واژه را بر حسب زمین و آسمان به کار گرفت. وی آمیزش این دو را در آفرینش چهار چشم‌انداز (کیهانی، کلاسیک، رمانتیک و ترکیبی)، به دست داد که هر کدام از آن‌ها به عنوان منظر، از روح مکان متفاوتی برخوردارند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۶: ۷۳-۶۶).

۳- ریخت‌شناسی (تیپولوژی): به چگونگی قرار گرفتن، ایستادن و چگونگی رابطه بیرون و درون فضا (دیالکتیک درون و بیرون) و یکی پنداری با فضای محیط و احساس محصوریت و مرکزیت، مربوط می‌شود. و از این طریق محیط کامل می‌شود و معنا حضور می‌یابد. براساس ریخت‌شناسی مؤلفه‌های یک مکان شامل فضا و کاراکتر می‌باشد. مؤلفه‌های مربوط به فضا عبارتند از: مرکزیت، مرز و قلمرو، محصوریت و دیالکتیک درون و بیرون و مؤلفه‌های مربوط به کاراکتر عبارتند از: جهت‌یابی و شناسایی. حس مکان پدیده کلی با ارزش‌های ساختاری، فضایی وجودی می‌باشد، که انسان از طریق ادراک جهت‌یابی و شناسایی به آن دست می‌یابد. (Norberg schulz, ۱۹۹۶: ۴۳۲)

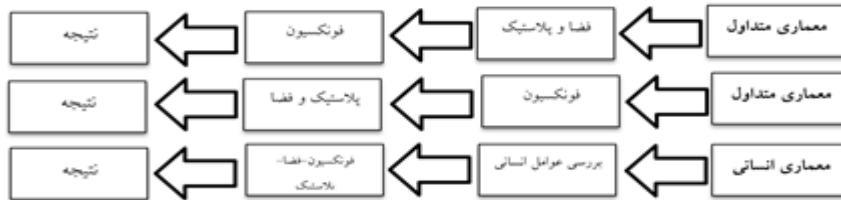


نمودار ۲- ترجمان آراء هایدگر به معماری، از دیدگاه نوربرگ شولتز منبع: نویسندگان

۴. مراحل طراحی فرهنگسرای نیاوران از دیدگاه طراح (مؤلف)

دیبا معتقد است اگر کار معماری بر اساس پلاستیک یا آرتیستیک یا جغرافیایی و فونکسیونل نباشد و بر پایه اصول انسانی باشد می‌تواند جواب‌گوی مشکلاتی باشد. از این رو می‌توان به اصطلاح فضای وجودی شولتز نیز اشاره کرد. او فضای وجودی را حاصل آمیزش روابط انسانی و محیط و به دور از منطق و ریاضی می‌دانست (شولتز، ۱۳۸۸). دیبا مراحل طراحی (متدلوزی) را در معماران متفاوت مطرح می‌کند. از دیدگاه او پلاستیک و فضا، فونکسیون (احتیاجات آگاه انسانی، احتیاجات ابتدایی) و عوامل انسانی (عوامل فرهنگی و اجتماعی) می‌توانند در مرتبه‌های مختلفی برای معماران

قرار گیرند. به گونه‌ای که منجر به ایجاد معماری متداول و معماری انسانی شوند. در طراحی فرهنگسرا دیبا متدلوژی معماری انسانی را به کار برده است.



نمودار ۳- مراحل طراحی (متدلوژی) معماری متداول و انسانی از دیدگاه کامران دیبا- منبع: (دیبا، ۱۳۴۸)

۵. بررسی معماری فرهنگسرای نیاوران بر اساس هر نوتیک هایدگر

در بررسی عوامل مؤثر در معنای مکان در فرهنگسرای نیاوران (تحلیل محتوای استقرایی)، از کاربران پرسیده شد ۱- فرهنگسرای نیاوران برای شما چه چیزهایی را تداعی می‌کند؟ چه چیزهایی برای شما ماندگار تر است که برای دیگران توصیف می‌کنید؟ در این راستا در مرحله اول به نکاتی از سمت مصاحبه شونده‌گان اشاره شد. در مرحله دوم مختصر توضیحاتی به کاربران داده شد.

گزاره های بدست آمده از کاربران مرحله اول
آرامش/ارتباط/حرکت/ساختمان های کویری/عدم ارتفاع/حیاط خاص/درختان تنومند ساختما های سنتی/فضای سبز/گذشته/صدای آب/حوض/ساختمان زیبا/شکوه/نگ کاهگل



گزاره های به دست آمده از کاربران مرحله دوم
ویژگی های محیطی در پدیده های طبیعی با توجه به شیب / باغ /منظر/ کوه/مسیر آب/ دید از درون گالری ها به فضای سبز/ حیاط آ شکل / احجام مکعب مستطیل استوانه پیرامون حیاط/تغییر ارتفاع/ارتباط با فضای باز/ تعامل با پیرامون/گرایش افقی/ خط آسمان



گزاره های به دست آمده از کاربران مرحله سوم
حس نوستالژیک از دیدن عناصر سنتی / موتیف های معماری ایرانی به صورت مینیمالیسم و انتزاعی بادگیر در قالب نورگیر/حوض هشت ضلعی/ باغ ایرانی/جهت حرکت مسیر آب و درختان/دروازه الگوی گذشته

ادراک پدیده‌های ذهنی است که در پی آن تجارب حسی معنی‌دار می‌شود و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیا را در می‌یابد. کریستین نوربرگ شولتز معتقد است که وظیفه معمار دوگانه است چراکه علاوه بر در نظر گرفتن موضوعات تکنیکی و عملکردی، طراحی باید به گونه‌ای باشد که امکان تفسیر کیفیت‌های محیطی را برای ساکنان فراهم کند (اصلانیان و همکاران، ۱۳۹۹). عوامل ذهنی و عینی در کنار هم سبب خلق مکان می‌شود. با توجه به گزاره‌های به دست آمده مواردی همانند حس نوستالژی، الگوهای گذشته که در این دور مطرح شد جزء عوامل ذهنی و عوامل عینی همانند مسیر آب، درختان می‌باشند. عوامل عینی در سطح اول به آن اشاره شد و دور هرمنوتیکی زمانی آغاز شد که به کاربران توضیحات مختصری در رابطه با بنا داده شد و عوامل ذهنی شروع به شکل گرفتن شد. با تحلیل محتوای متن حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته، واحدهای تحلیل انتخاب شدند. در جدول ۲ برخی از مقول بندهای پژوهش آورده شده‌اند و بر این اساس عوامل مؤثر (مقولات اصلی) استخراج شدند که شش عامل کلی جهت‌یابی، ویژگی‌های محیطی (شناسایی)، خط آسمان، دیالکتیک درون و بیرون، هندسه و محیط پیرامون از جمله این عوامل هستند.

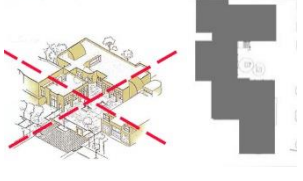

جدول ۲- تحلیل محتوای مصاحبه
 ماخذ: نگارندگان

مقوله اصلی	مقوله	گزاره‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها
جهت‌یابی	تجربه مبتنی بر حرکت در فضا- احساس امنیت	ویژگی‌های محیطی در پدیده‌های طبیعی با توجه به توپوگرافی/ باغ ایرانی/منظر/ کوه/مسیر آب
ویژگی‌های محیطی (شناسایی)	آشنا بودن با فضا تداعی خاطره احساس آرامش تشخیص فضا	حس نوستالژیک / عناصر سنتی برای فضا سازی غربی که به صورت باغ ایرانی/ موتیف‌های معماری ایرانی به صورت مینی‌مالیسم و انتزاعی/ساختمان‌های کوپرنورگیرها/حوض هشت ضلعی/ دروازه
خط آسمان	رابطه افقی و عمودی افقی‌گرایی	خط آسمان ساده معماری ایرانی/ گرایش افقی/ نگاه زمینی و افقی/ نیرومند
دیالکتیک درون و بیرون	سیالیت فضا ارتباط با مکان و فضا	دید از درون گالری‌ها به فضای سبز /گذر از دروازه/ حیاط/ سلسله مراتب فضایی
هندسه	تاب‌آوری در مکان معنا دار بودن	حیاط U شکل/مرکز تجمع/احجام مکعب مستطیل استوانه پیرامون حیاط/تغییر ارتفاع
محیط پیرامون	گردآوری تعاملات اجتماعی	حرمت سایت/ارتباط با فضای باز/ ارزش اجتماعی بالا/ تعامل با پیرامون/باغ ایرانی

جدول ۳- مولفه‌های مکان در فرهنگسرای نیاوران

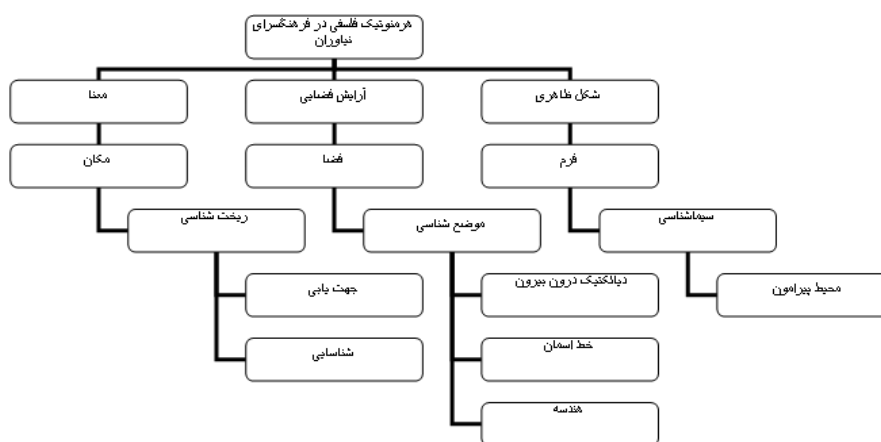
ماخذ: نگارندگان

تصاویر	در نمونه موردی	مولفه‌ها
 	<ul style="list-style-type: none"> ● توپوگرافی ● کوه ● مسیر آب ● باغ ایرانی 	جهت یابی
  	<ul style="list-style-type: none"> ● باغ ایرانی طراوت و برانگیختگی حواس پنج گانه ● نورگیرها تداعی شهرهای کویری ● حوض تداعی هشتی ● دروازه آستانه و گذر ● رنگ مصالح بافت کویر ● رواق 	شناسایی
	<ul style="list-style-type: none"> ● عدم تعرض به آسمان و ارتباط بین آسمان و زمین 	خط آسمان
	<ul style="list-style-type: none"> ● وجود بازشوها و ایجاد سیالیت فضای درون و بیرون 	دیالکتیک درون و بیرون

	<ul style="list-style-type: none"> ● حیاط U ● مرکزیت ● توجه به پیکره انسانی معماری انسانی (توجه به عوامل انسانی بنا به نظر طراح) 	<p>هندسه</p>
	<ul style="list-style-type: none"> ● ارتباط فضای ساخته شده و محیط پیرامون ● حرکت چشم 	<p>محیط پیرامون</p>

نتیجه‌گیری

فرهنگسرای نیاوران یک اثر معماری مربوط به دوران معاصر می‌باشد، که می‌توان حضور مکان را دریافت نمود. جهانی غنی از معنا را می‌توان با در جهان بودن دازاین که رابطه تنگاتنگی با وجود جهان دارد خلق نمود. دازاین وجودی مکانمند دارد و برای پاسخ به مکانیت او باید جهت‌گیری و رفع دوری ایجاد شود. زمانی وجود انسان در مکان جهت پیدا می‌کند که نشانه‌هایی روشن و قابل تشخیص در محیط طراحی شده باشد. فرم ایده‌آل ساخت ساز از دیدگاه هایدگر در نتیجه ارتباط دازاین با مکان میسر میشود. این ارتباط در فرهنگسرای نیاوران با توجه به جهت یابی و خاطره انگیزی که از جمله تأثیرات هرمنوتیک فلسفی هایدگر می‌باشد به وجود آمده است. رسالتی که هایدگر از هرمنوتیک انتظار دارد. یعنی بیرون آوردن معنای مکنون و معلوم کردن ناشناخته‌ها. بنابراین مکان مندی دازاین به معماری ترجمه و وجود انسان را توانگر می‌نماید. و در نهایت می‌توان به این مسئله اشاره کرد هر پروژه هرمنوتیک می‌تواند درک چند وجهی داشته باشد. فهم مکان زمانی معنا می‌یابد که تصویری روشن و یکپارچه از آن در ذهن باشد. برای تحقق این منظور به عوامل ذهنی و عینی نیاز است. از جمله عوامل ذهنی می‌توان به عوامل مربوط به شناسایی و عوامل عینی همانند جهت‌یابی اشاره کرد.



نمودار ۴- تخلص یافته‌ها با تاکید بر آشکارگی مکان بر مبنای هرمنوتیک فلسفی هایدگر برگرفته از تجربه کاربران فرهنگسرای نیاوران.
 ماخذ: نگارندگان

منابع

کتابها

- احمدی، بابک؛ مهاجر، مهرا و محمد نبوی. (۱۳۹۵). هرمنوتیک مدرن، چاپ یازدهم، تهران: نشر مرکز.
- پرتویی، پروین. (۱۳۷۸). پدیدارشناسی مکان، تهران: فرهنگستان هنر.
- رلف، ادروارد. (۱۳۸۹). مکان و بی‌مکانی، ترجمه محمد رضا نقصان محمدی و همکاران، تهران: آرمانشهر.
- شار، آدام. (۱۳۹۱). هایدگر برای معماران، ترجمه روزبه احمدی نژاد، تهران: طحان.
- صارمی، علی اکبر. (۱۳۷۶). ارزش‌های پایدار در معماری ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- ضیمران، محمد. (۱۳۹۳). مجموعه درس گفتارهای هایدگر، تهران: موسسه رخداد تازه.
- کیدر، پل. (۱۳۹۷). گادامر برای معماران، زهرا برادران، تهران: فکر نو.
- گروندن، ژان. (۱۳۹۵). درآمدی به علم هرمنوتیک فلسفی، محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مینوی خرد.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری، ترجمه: علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۷). معماری، حضور، زبان و مکان. علیرضا سید احمدیان. تهران: انتشارات نیلوفر.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۲). معماری، معنا و مکان‌پدیدانوروز برازجانی، تهران: نشر جان جهان.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۸). روح مکان به سوی پدیدارشناسی معماری، محمدرضا شیرازی، تهران: رخ داد نو.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۷۹). سرآغاز کار هنری، پرویز ضیاء شهبانی، تهران: هرمس.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۸۱). شعر، زبان و اندیشه‌رهایی، عباس منوچهری، تهران: انتشارات مولی.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۸۵). هستی و زمان، سیاوش جمادی، تهران: ققنوس.

مقالات

- ارجمندی، محمود؛ وکیل زاده، مسعود. (۱۳۴۸). «گفتگویی با کامران دیبا»، مجله هنر و معماری، شماره اول، ۴۸-۴۷.
- افشار نادری، کامران. (۱۳۷۸). از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره چهارم، ۶-۸.
- اصلانیان، یاشار؛ ذبیحی، حسین و رهبری منش، کمال. (۱۳۹۹). ساختارشناسی مفهوم رضایتمندی مسکن با رویکرد فلسفه پدیدارشناسی (نمونه موردی: خانه قاجاری شیخ الاسلام و چند مجتمع مسکونی در زنجان)، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره سی و هفتم، ۱۸-۱.
- پرتویی، پروین؛ باقریان، محمد صابر. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای-تطبیقی معنای مرکز در آراء مکتب اصفهان و اندیشه هایدگر، باغ نظر، شماره چهل و هشتم، ۳۰-۱۷.
- پورمند، حسنعلی؛ فلاح، حسین. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان، بازخوانی هویت مکانی بافت تاریخی، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۸، ۲۱-۱۶.
- تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره شصت و چهارم، ۱۳۸-۱۰۵.

- حسن پور، محمد؛ کیهان پور، محسن و نوروزی طلب، علیرضا. (۱۳۹۵). «ماهیت دور هرمنوتیکی فهم، در زیبایی شناسی تأویل عکس»، باغ نظر، شماره چهل و چهارم، ۱۲-۵.
- حقیر، سعید. (۱۳۸۸). «آیا معماری امروز ایران محصول انقلاب اسلامی است؟»، منظر، شماره سوم، ۶۴-۶۲.
- حقیر، سعید. (۱۳۸۱). «مؤثر، اثر، مخاطب دنیای هرمنوتیک در خوانش متن معماری»، زیباشناختی، شماره هفتم، ۱۱۷-۱۲۶.
- رجبی، روح اله؛ سلیمان حشمت، رضا. (۱۳۹۴). «زبان در اندیشه هایدگر»، حکمت و فلسفه، شماره چهارم، ۴۰-۲۳.
- عابدی، حیدر علی. (۱۳۹۰). «کاربرد روش تحقیق پدیدارشناسی در علوم بالینی»، مجله راهبرد، شماره پنجاه و چهار، ۲۲۴-۲۰۷.
- کوچ، تی. (۱۳۷۵). «رویکردهای تفسیری در تحقیقات پرستاری: تأثیر هوسرل و هایدگر». مجله پرستاری پیشرفته، ۲۱، ۸۳۶-۸۲۷.
- مهدی زاده بیدگلی، زهره؛ میرزا محمدی، محمد حسن و رهنما، اکبر. (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل دیدگاه انسان شناختی هایدگر درباره فناوری و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت»، دو فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه شاهد، شماره ششم، ۱۲۸-۱۲۳.
- واعظی، اصغر؛ فاضلی، فائزه. (۱۳۹۰). «افق فهم در آینه فهم افق»، نشریه فلسفه، شماره دوم، ۸۵-۵۹.

منابع انگلیسی:

- Altman, I. & Setha Low (ed.). (۱۹۹۲). "Place Attachment", Plenum Press, New York.
- Gustafson, P. E. R. (۲۰۰۱). MEANINGS OF PLACE: EVERYDAY EXPERIENCE AND THEORETICAL CONCEPTUALIZATIONS. *Journal of Environmental Psychology*, ۲۱(۱): ۵-۱۶.
- Koch, T. (۱۹۹۵). Interpretive approaches in nursing research: The influence of Husserl and Heidegger. *Journal of Advanced Nursing*, ۲۱, ۸۲۷-۸۳۶.
- Munhall, P. (۱۹۸۹). Philosophical ponderings on qualitative research methods in nursing. *Nursing Science Quarterly*, ۲(۱),
- Norberg schulz, C. (۱۹۹۶). *Nigh lands*, Cambrige, london, M I T press.
- Pallasma, J. (۲۰۰۲). *Sensous Minimalism*, Beijing, china Architecture & Building press.
- Rapoport, A. (۱۹۸۲). *The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach*, Arizona: University of Arizona Press.
- Rogers, William. (۲۰۰۳). *Sacramental Dwelling With Nature: Jonson "to penshurt" and Heidegger "building Dwelling Thinking"*. Furman University
- Thomas, David R. (۲۰۰۶). A General inductive approach for qualitative data analysis. *American Journal of Evaluation*. Vol ۲۷. No. ۲
- Tuan, Y.-F. (۲۰۰۱). *Space and place: The perspective of Experience*. Minnea Polis: University of Minnesota pres.